

فرهنگی هنری

مسئول: مهدی کلهر



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ردیابی يك توطئه فرهنگی در تاریخ معاصر

(۴)

آخرین قسمت

برای ریشه‌یابی يك توطئه در تاریخ فرهنگ معاصر که در برهه‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی جنجال‌برانگیز بود و مسأله‌ساز، از داستان هزار و یکشب تا سفرنامه شاردن فرانسوی و از کتاب پیرمارتینو تا داستان «محلل» صادق هدایت و از نمایش شهرقصه تا فیلم «محلل» همه را به‌جاده پژوهش کشیدیم. آنچه ازین تحقیق بیش از دیگر جنبه‌ها جلب توجه میکرد این حقیقت بود که تأثیر و تأثر در پهنه امور فرهنگی و هنری گرچه کند و آهسته صورت می‌پذیرد ولی بسیار مؤثر و ماندگار است. يك پندار منحرف می‌تواند چند قرن فرهنگ ملتی را تحت تأثیر قرار دهد. و هنرمندانی را نیز آگاهانه یا ناخودآگاه به انحراف بکشاند و نهایتاً افکار نسلی را به تباهی.

در مسیر این پژوهش نیز شاهد مشابهت دیدگاه فراماسونهای فرانسوی و انگلیسی با بهائیت و ابیت فارسی و هندی بودیم. و همه دست در دست یکدیگر طلایه‌داران هنرمندان و نویسندگان بزرگ و کوچک این مرز و بوم بودند تا بقول خودشان از مسائل اجتماعی سخن بگویند! و حتماً انتظار داشتند تا مردم بخاطر تعهد هنرمندانه آنان نسبت به مشکلات و مسائل اجتماعی برایشان قصری از گل بسازند و نامشان را بر تارک تاریخ فرهنگ جاودانه سازند. اما ازین سد که بگذریم شاهد مبارزان فرهنگی هم چون استاد شهید آیه‌الله مطهری خواهیم بود که گرچه با طرفدارانی اندک و بدون امکانات اما با نیروی ایمان در شرایط دشوار بدون کوچکترین هراسی اوراق زرینی بر کتاب پرافتخار تاریخ انقلاب اسلامی افزودند و یادآورد فرمایش علی (ع) شدند که: نهراسید در راه هدایت از تعداد اندک پیروان.

گفتم که فیلم «محلل» با تمام ستایش‌های روزی‌نامه‌های آن زمان در مقابل اعتراض روحانیت مبارز و مردم آگاه ناکام ماند؛ اما حاشیه‌خوران دنیای نویسندگی مسأله را رها نکردند، فاطمه مهدی‌زاده «زهره» داستانی تحت تأثیر فیلم محلل به رشته تحریر درآورد که در اسفندماه ۱۳۵۲ توسط انتشارات پروین چاپ شرق، بقطع جیبی در تیراژ يك هزار جلد انتشار یافت دراین کتاب که داستانهای (اشتباه، در تعقیب قاتل، بیکار و...) به‌چاپ رسیده بود داستانی نیز در ارتباط با موضوع

«محلل» بچشم میخورد که خلاصه آن ذیلا می‌آید.

مرد ناپرهیزکاری بنام «رشید» بقصد ازدواج با زن برادرش «مهری» همسرش «طاهره» را طلاق می‌دهد. «مهری» فرزندان او را بهانه میکند و به ازدواج با او تن در نمی‌دهد، رشید برای اطمینان خاطر «مهری» به محضری می‌رود و همسرش را سه طلاقه می‌کند. اما مهری او را بسختی از خود میراند و به هیچ وجه تن به ازدواج در نمی‌دهد. از آن طرف طاهره به خانه پدر می‌رود و بچه‌های رشید سرگردان می‌شوند. رشید سرگردان و پشیمان راه چاره می‌جوید اما کار از کار گذشته است. نزد محضرداری می‌روند و از او چاره می‌خواهند. محضردار پس از کمی تأمل راهی به آنها پیشنهاد میکند و صیغه عقد طاهره را برای پسری که در اطاق مجاور برای اینگونه مراسم آماده است، می‌خواند. طاهره به اتاق پسر می‌رود و مراسم ازدواج را با اکراه انجام می‌دهد. صبح آن روز رشید از محلل می‌خواهد که طاهره را طلاق دهد؛ اما پسر نمی‌پذیرد. سرانجام، پس از گفتگوهای بسیار در مقابل پنج‌پنجاه تومان راضی به طلاق می‌شود. طاهره مجدداً به عقد رشید در می‌آید و با این شرط که اگر بار دیگر بفکر طلاق بیفتد ۲۰ هزار تومان به طاهره بپردازد و داستان بخوبی و خوشی پایان می‌گیرد.

چنانچه خواننده دریافت باز هم نویسنده از همان شیوه یکباره سه طلاقه کردن استفاده کرده و بقیه ماجرا را آراسته است.

در همین سال یعنی ۱۳۵۲ نویسنده مشهور محمدعلی جمالزاده مجموعه قصه‌هایی تحت عنوان «قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار» به چاپ رساند، این کتاب بعدها یعنی در سال ۱۳۵۵ به دانشگاه تهران هدیه گردید و توسط دکتر علی‌اکبر سیاسی مجدداً به چاپ رسید و در اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ با کتابهای احمد کسروی و صادق هدایت به بازار کتاب سرازیر شد؛ تا شاید بتواند چهره اسلام را مغدوش سازد. بمر تقدیر در این کتاب قصه‌ایست تحت عنوان «پینه‌دوز شیراز»، محمدعلی جمالزاده این داستان را بیاد دوست نازنین و خوش‌فکر و خوش‌بیان و نیکوکارش حاج محمد نمازی به‌رشته تحریر درآورده و در آغاز آن مقدمه‌ای آورده که بقول خودش شاید هم لزومی نداشته است. اما از آنجهت بنظر لازم می‌آید که پرداختن به چنین موضوعی را آنهم از آقای جمالزاده، مقیم کشور سوئیس، موجه جلوه دهد. او پس از اینکه ذکر میکند داستان نویس خلق شده است و آدم وقتی پیر میشود کم‌کم شباهت زیادی به کودکان خردسال پیدا میکند و هر وقت می‌خواهد بخوابد قصه مطالعه میکند، چنین می‌آورد:

«شب گذشته که باز در بستر، «هزار و یکشب» را باز کردم دست جادوگر و سحرپیشه تقدیر که مقتدرترین دستپاست پرده دلپذیر یکی از قصه‌هایی را در مقابل نظرم گشود که «حکایت علاءالدین ابولشامات» عنوان دارد و مانند بسیاری از قصه‌های آن کتاب از عشق و...»

جمالزاده در اینجا خلاصه آن قصه را، که در شماره نخست «یاد» ما نیز آوردیم، نقل میکند و همینکه موضوع به محلل میرسد داستان هزار و یکشب را رها کرده و تحت عنوان (آشنائی با عمو عزیزالله پینه‌دوز با دین و آئین) چنین می‌آورد:

«وقتی قصه بدینجا رسید ناگهان چهره محبوب دوست دیرینه‌ام شادروان حاج محمد نمازی در نظرم مجسم شد و صدای آهنگ‌دارش با همان لحن دلپذیر و لهجه شیرازی در گوش جانم بیدار شد که داستان عروسی و طلاق پسر عمویش را در شیراز در زمان گذشته و دخالت محلل را برایم حکایت میکرد.»

جمالزاده پس از گریز به خاطرات خودش به‌مراهی حاج محمد نمازی در برلین دوباره به سراغ موضوع می‌آید و از زبان او ماجرا را نقل می‌کند و داستان زندگی دختر و پسر جوانی از اهالی شیراز را بازگو میکند که کارشان به طلاق (آن هم سه طلاقه) کشیده شده بوده و باهمین سرعت از موضوع عبور میکنند!! و می‌افزاید «سپس هر دو پشیمان شده بودند و در آتش اشتیاق می‌سوختند و عزا گرفته بودند و با یکدیگر شور و شوق می‌خواستند از نو با هم عروسی کنند. اما چنانکه میدانید چنین امری محتاج «محلل» بود و کار سخت پیچیده و دشوار شده بود و جا دارد بگوئیم سر گاو در خمره گیر کرده بود، عقل کسی بجائی نمیرسید و دل سنگت بحال آن دوجوان شوربخت میسوخت، بزرگان قوم و خانواده با هم نشستند و عقلمایشان را روی هم گذاشتند...»

پس از این مقدمه پراه و سوز قهرمان داستان راه‌حلی را ارائه میدهد و پیشنهاد میکند که عمو عزیزالله پینه‌دوز هفتاد ساله با آن دختر ازدواج کند... پس از این بخش خسته‌کننده و نسبتاً طولانی بخشی تحت عنوان (پینه‌دوز و آئین او) را می‌آورد:

«عقاید دینی و مذهبی عمو هم شنیدنی بود. عقایدی بود که عموماً در هیچ رساله و کتاب مسئله‌ای و در هیچ مدرسه و مسجد و محرابی خوانده و شنیده نشده و به‌هیچ‌گوشی نرسیده بود و احدی از مجتهدین جامع‌الشرایط و ارباب تقلید بدانها صحنه نمی‌گذاشت ولی مرد مؤمن و مقدس و صاحب عقیده‌ای مانند عمو عزیزالله سخت به آنها اعتقاد داشت و از آن عقایدی بود که مو، لای درزش نمی‌رفت و به اصطلاح با شیر اندرون شد و با جان بدر رود.»

ازین حواشی که بگذریم مجدداً به سراغ قصه محلل می‌رود و به توصیف تمام جوانب دعوت از پیرمرد و خواستگاری و عروسی می‌پردازد و نهایتاً اینکه پیرمرد در سن هفتاد سالگی داماد میشود و پول و پله‌ای گیر می‌آورد و دختر را طلاق میدهد و دوباره جوان و دختر با هم ازدواج میکنند.

نکته‌ای که در مرحله نخست بچشم می‌خورد اینست که پس از شکست توطئه فیلم «محلل» در ایران حامیان توطئه، دست به دامان نویسندگانی چون جمالزاده در خارج از کشور می‌شدند و از آن طریق به اثبات مدعای دروغین خویش می‌پردازند. در همین سال یعنی ۱۳۵۲ تهیه‌کننده فیلم «محلل» یعنی مهدی میناقیه به دلیل اینکه مدت اعتبار پروانه نمایش فیلم به پایان رسیده بود مجدداً تقاضای تجدید پروانه نمایش از وزارت فرهنگ و هنر می‌نماید که پروانه مجدداً صادر میگردد. مجدداً تهیه‌کننده در اول سال ۱۳۵۵ نیز تقاضای تجدید پروانه نمایش فیلم را به وزارت فرهنگ و هنر می‌فرستد که پروانه نمایش نیز توسط اداره کل نظارت برنمایش آن وزارتخانه برایش صادر میگردد. در سال ۱۳۵۶ تهیه‌کننده تقاضائی مبنی برنمایش فیلم در کشورهای فرانسه، ایتالیا، انگلستان و آمریکا (شهرهای نیویورک و کالیفرنیا) به وزارت فرهنگ و هنر ارسال میدارد که با مخالفت نماینده وزارت امور خارجه آقای هوشنگ قدیمی مواجه میشود نماینده بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی با تلاش فراوان موفق شد در دیماه سال ۱۳۶۳ با آقای هوشنگ قدیمی در تهران مصاحبه‌ای انجام دهد و علت مخالفت ایشان را نسبت به ارسال فیلم به خارج از کشور جویا شود که آقای قدیمی علت مخالفت خویش را چنین توضیح داده‌اند:

«نشان دادن این نوع فیلم‌ها به خارجی‌ها بنظر من نه تنها چیزی از ما را به آنها معرفی نمی‌کند، بلکه آنها را گیج می‌کند و در آن زمان آبروی ایران را می‌برد...»

اما در سندی که ما در اختیار داریم بنظر میرسد بالاخره مسئولین وقت اداره کل نظارت بر نمایش توانسته بودند موافقت آقای قدیمی را برای ارسال فیلم به خارج کشور جلب نمایند با توجه به تاریخ این سند یعنی ۱۳۵۶/۱۲/۲ بعید بنظر نمی‌رسد که مسأله اوج‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و بخصوص در میان دانشجویان خارج از کشور، باعث اصرار بیش از حد صدور این فیلم بخصوص بکشور آمریکا شده باشد. شاید به این خیال که دانشجویان از اسلام دلزده شده و حرکت انقلاب اسلامی را رها سازند!

تلاش برای ضربه‌زدن به حرکت انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نیز ادامه می‌یابد و مجدداً تهیه‌کننده فیلم در بیستم مردادماه ۱۳۵۷ تقاضای تمدید پروانه نمایش

فیلم را به وزارت فرهنگ و هنر ارسال میدارد که یکماه بعد پروانه نمایش آن صادر میگردد. در همین سال چنانچه آوردیم کتابهای اسلامستیز احمد کسروی، صادق هدایت و جمالزاده تجدید چاپ شده و به بازار سرازیر میگردد و از ویژگی این کتابها پشت جلد آنهاست که همگی چهره نویسندگان را به قطعی بزرگ بر روی خود دارد. در همین سال شبکه ۲ تلویزیون در تدارک ساختن سریالی از داستان محلل صادق هدایت است که قرار است سعید نیکپور آنرا کارگردانی نماید که ظاهراً حرکت انقلابی مردم و پیروزی انقلاب اسلامی مجال ساخت چنین سریالی را نمی‌دهد.

در جریان نشر این پژوهش فصلنامه «یاد»، با نقطه نظرهای مخالف و موافقی روبرو بودیم که برخی از آن نظریات را در شماره پیش بچاپ رساندیم و از انتشار برخی دیگر که مشابه با آن نظریات بود صرف نظر نمودیم. بجز این دیدگاههای بعضاً متناقض. اعتراضاتی از برخی از هنرمندان داشتیم که نامشان را در مسیر تحقیق بنا بر ضرورت آورده بودیم که پاره‌ای معتقد بودند برخی از آنان امروز در جامعه اسلامی ما در خدمت آرمانهای انقلاب اسلامی تلاش میکنند و بدین سبب بجا می‌بوده است که ما از آوردن نام آنان صرف نظر میکردیم. اما ما براین باوریم اگر چنین مصلحت‌اندیشی‌ها یا سهل‌انگاری‌هایی در نگارش تاریخ باب شود دیگر تاریخی نخواهد ماند و اگر خوش‌باورانه نگاه کنیم آنچه به رشته تحریر درمی‌آید موعظه‌ای خواهد بود بدون دلیل و سند و حداقل بسیار کم‌اثر و لاجرم مایه عبرت حاضران نخواهد بود چه برسد به آیندگان. اما این نکته را نیز ناگفته نگذاریم که برای جلوگیری از اطاله کلام (که بهر صورت بوقوع پیوست) ناگزیر برخی از مطالب حاشیه‌ای را رها کردیم و شاید به برخی دیگر از حقایق موجود در این ماجرا نیز دست نیافته باشیم، ولی آنچه آمد پژوهشی بود از بنیادی نوحاسته که موضوعی را در لابلای فرهنگ معاصر کشورش جستجوگر بود و گرچه در برخی موارد ناشیانه. اما صادقانه در پی شناخت راه و روش و شیوه‌های استعماری تخریب فرهنگ ملل مظلوم تلاش نمود و به بعضی از آن شیوه‌ها نیز واقف شد و شاید توانست پاره‌ای از سر-نخ‌های خیانت‌های فرهنگی را نیز افشا نماید و چهره تعدادی از هنرمندان بظاهر مردمی را نیز آنطور که بوده‌اند نه آنطور که می‌نموده‌اند برای نسل حاضر و نسل‌های آینده تصویر نماید.

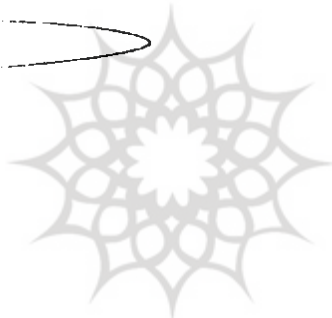
والسلام

۱. اصل مصاحبه نماینده بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران با آقای قدیمی در آرشیو مرکز اسناد بنیاد موجود است.

وزارت فرهنگ و هنر
اداره کل نظارت و نمایش

خواهشمند است دستور فرمایند از فیلم ایرانی (محفل) جهت ارسال به کشورهای فرانسه - ایتالیا - انگلستان و آمریکا (شهرهای نیویورک و کالیفرنیا) بازدید بعمل آورده و اجازه صدور بنام اینجانب صادر نمایند.

با احترام - مهدی میثاقیه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نشان نگارخانه اسرار

تلفن: ۶۰۲۵۱ - ۶۱۰۱۱

تلفن: ۶۱۱۱۱ - ۶۰۲۵۱

تهران - خیابان نوام السلطنه - کوچه ابرج - شماره ۱۶

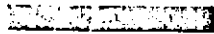
استودیو فیلمبرداری

دفتر سین و تلویزیون و رادیو، جمهوری اسلامی ایران



وزارت فرهنگ و هنر

اداره کل نظارت و نمایش



پروانه نمایش فیلم

شماره ۳۰۳۱۴۸ - تاریخ ۱۸۶۰۶
۰۲/۱۰/۲۵

۳-۴۲۳

هیئت نظارت نمایش فیلم درجه تعویب نمود که فیلم وژنر محل
 ساخت مؤسسه کشور ایران گویا به زبان فارسی
 دارای مشخصات فنی
 طبق درخواست به نمایش گذاشته شود.

اداره کل نظارت و نمایش

ملاحظات: از تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۰۲

در خصوص پروانه ۳۰۳۱۴۸ در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۰۲
 در مورد سالیانه کشور ایران و گویا به زبان فارسی
 متناظر با وژنر + توسیع + محدودیت

حکم هیئت نظارت: ۳۰۳۱۴۸

بدت اصدار این پروانه دوماں خورشیدی ارتاریخ قدور است. پشت این برگ ملاحظه شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



وزارت فرهنگ و هنر

اداره کل نظارت و نمایش

صورت جلسه هیئت نظارت بر نمایش انواع فیلم و سلاید

جلسه : روز یکشنبه

مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۶

عنوان : فیلم

محمول کشور (ایران)

فیلم خولای	حلقه میخرا آهوی	کجه	مجهی	کجه	تکنیک متحرک	کشد
۳۵ میلیمتری	۱۶ میلیمتری	سیاه و سفید	رنگی	رده معمولی	رنگ تخت	رمان اصلی

شخصات :

نظرات : ارسال فیلم عملی به نمایش در کشورهای اروپا و آمریکا در صورت
تأیید وزارت فرهنگ و هنر

امضاء

روز

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجلس عالی علوم انسانی

موسسه عالی پژوهش و تحقیقات علمی و فرهنگی در امور فرهنگی

موسسه عالی پژوهش و تحقیقات علمی و فرهنگی در امور فرهنگی

موسسه عالی پژوهش و تحقیقات علمی و فرهنگی در امور فرهنگی

نماینده وزارت فرهنگ و هنر	نماینده وزارت آموزش و پرورش	نماینده شهرتانی کنورستانهای	نماینده وزارت اطلاعات و جاساتگری
---------------------------	-----------------------------	-----------------------------	----------------------------------

روز
۱۳ / ۱۲ / ۱۳۵۶